

# الباب العاشر من الواحد الرابع لا يجوز التدريس في كتب...

حضرت باب

اصلي فارسي



## الباب العاشر من الواحد الرابع لا يجوز التدريس في كتب غير البيان الا اذا انشئ فيه مما يتعلق بعلم الكلام و ان ما اخترع من المنطق و الاصول و غيرهما لم يؤذن لاحد من المؤمنين.

ملخص این باب آنکه نقطه بیان را خداوند عالم بظهورات ما لا نهاییه در این ظهور ظاهر فرموده از اعلی علو  
دلالت بر خداوند که انی انا الله لا اله الا انا باشد تا انی اذر من کل ذر از لسان او جاری شده و در هر شیئ  
بطرق ما لا نهاییه بیان از او ظاهر گشته چه بنهج آیات و چه بنهج مناجات و چه بنهج تفاسیر و چه بنهج علوم  
حکمیة و چه بنهج اجوبه فارسیه که احدی محتاج باحدی نباشد

واذن داده نشده تعلم بغیر آثار اون و اذن داده شده اگر کسی در علمی انشائی کند چون اسم الله بر او مذکور  
شده که ایمان باو باشد جایز است تعلم باو اگر معنون شود بکلمات نقطه و الا چگونه مدل خواهد بود بر شجره  
حقیقت و در آن ذکر از مذکر ذکر در آن ذکر نباشد

و نهی شده از انشاء ما لا یسمن و لا یغنی مثل اصول و منطق و قواعد فقهیه و حکمیة و علم لغات غیر مستعمله  
و ما یشبه هذا و ما قد فصل فی الصرف و النحو فان قدر ما یکتفی للمتأدین ما یعرف الفاعل و المفعول و ما



ORIGINAL



AUDIO

دوניהما من شئونهما اذ دون ذلك لن يغفر الله العبد اذا اشتغل به اگر چه در این کور اکثر خلق بکلمات فارسیه مستغنی هستند

و اگر کسی بخواهد فهم بیان را بهم رساند بقدر ما محتاج خود اخذ میکند نه زیاده از نفس بیان نه غیر او این است صراط مستقیم از برای متأدبین و متعلمین الی یومی که شجره حقیقت ظاهر گردد که آن روز کتاب حقیقت ناطق و رجوع بکتاب صامت از احتجاب از کتاب ناطق است و اون کتابی است که منزه و مقدس بوده از شئون علمیه خلق و عملیه آنها

چنانچه در این ظهور نقطه هر کس واقع شده دیده که او مبری بوده از علم نحو و صرف و منطق و فقه و اصول و آنچه ما یتفرع بر اینها است زیرا که کل اینها از برای فهم مراد الله هست در کلام او و کسی که مراد او مراد الله و کلام او کلام الله است چه احتیاج است او را باین شئون و حال آنکه خداوند قدرتی باو عطا فرموده و نطقی که اگر کاتب سریعی در منتهای سرعت بنویسد در دو شب و روز که فصل نماید مقابل یک قرآن از اون معدن کلام ظاهر میگردد که اگر اولوالافکار ما علی الارض جمع شوند قدرت بر فهم یک آیه از آنرا ندارند چگونه بر ایتان یا تکلم و عرفان این است موهبت الهی در حق من یشاء کیف یشاء بما یشاء لما یشاء انه هو القادر العلام

و باین شئون محتجب از محبوب خود در نزد ظهور او نگشته که در قرآن قبل خداوند نازل فرموده که کل اثار او در این آیه هست ﴿الله الذی خلق سبع سموات و من الارض مثلهن یتنزل الامر بینهن لتعلموا ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط بكل شیء علماً﴾ ولی در وقت ثمره کل خواستند اظهار عجز از برای مظهر قدرت و دون علم از برای مظهر علم نمایند و حال آنکه از برای این اقرار خلق شده اند کل

و اگر در ”من یظهره الله“ که مظهر قدرت و علم الله هست بآیاتی که خداوند بر او نازل میفرماید کسی موقن گردد بثمره بیان رسیده و الا چه بسا اشخاص که قرآن خوانده و از ثمره اون که اقرار بقدرت و علم است از برای مظهر این آیه که قائم آل محمد - صلی الله علیه - است محتجب گشته زیرا که مثل آن حضرت را مثل این آیه فرض کن چنانچه در این دیده نمیشود الا قدرت الله و علم او در اون دیده نمیشود الا قدرت الله و علم او کل از برای این خلق شده و امروز از او محبوب مانده بآنکه نظر در مظهر علم و قدرت او ننموده

و علم او نیست الا در نفس خود بنفس خود و در خالق خود بخالق خود و قدرت او نیست بر شیء الا در نفس خود بالوهیت خود و در خالق خود بر بربوبیت خود اینست جوهر کل جوهر که کل از او محتجب باین شئون علمیه مؤتفکه که اگر مقترن بایمان او نگردد لا شیء میگردد مفتخر و بایمان باو که اگر علم شیء نباشد کل جوهر علم در حق مؤمن ثابت میگردد محتجب این است که کل گویا امواتند و نظر بثمره علم و حکمت نمیکند

و اشر مردم در نزد ظهور "من يظهره الله" آنهایی هستند که خود را بعلم معزز گرفته اند و حال آنکه اینقدر تعقل نمیکنند که علم ایشان از برای فهم کلمات او بوده از قبل و در حین ظهور او چه احتیاج بتعلم این علوم و حال آنکه کلام او ظاهر و مراد او باهر است چنانچه در این ظهور هر کس بوده مشاهده این مطلب نموده

والله يحقق الحق و هو خير الحاكمين

